

ویژه‌نامه «آواها و نواها و اشعار عامه در

فرهنگ مردم ایران»

سال ۳، شماره ۷، زمستان ۱۳۹۴

بررسی و تحلیل اشعار اشیا

اصغر اسمعیلی^{۱*}

(تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۲۰، تاریخ پذیرش: ۹۴/۷/۲۶)

چکیده

بررسی فرهنگ و ادبیات عامه نقش مهمی در شناخت جامعه دارد و نکته‌های پنهان تاریخی و اجتماعی را آشکار می‌کند و فلسفه آداب و رسوم و آیین‌ها را تبیین می‌سازد. کتیبه‌های نقش‌بسته بر اشیا، نوشته‌های سردر بناها و سنگ‌نشته‌ها مزارها از گونه‌های ادبیات عامه‌اند که بررسی و تحلیل آن‌ها بیانگر نکته‌های ادبی و اجتماعی ارزشمندی است. در نوشتار حاضر، با بررسی گونه‌های نوشتارهای موجود بر روی اشیای منقول، با استفاده از سه مأخذ مکتوب، و پژوهش در وزن و زیبایی‌شناسی این گونه، درون‌مایه اشعار اشیا در ۱۱ دسته طبقه‌بندی می‌شود: توصیف شیء یا کارکرد آن، تعلق شیء به فرد خاص، دربرگیری نام عامل (سازنده) آن شیء، تشویق به شادی و خوش‌باشی، مضامین اخلاقی، دعا، تعلق آن شیء به مکان خاص، اشیا محمل روابط و گفت‌وگوهای عاشقانه، مدح و ماده تاریخ.

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران (نویسنده مسئول)

*esmaeili@iecf.ir

نکته مهم در این بررسی تناسب اشعار و سخنان منظوم روی اشیا با آن شیء است که نشان‌دهنده ذوق و لطافت طبع عامه مردم و سازندگان و مخاطبان آن است. البته تغییر و تحریف و برخی اشکالات وزنی نیز در اشعار بررسی شده دیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ادبیات عامه، اشعار اشیا، محتوا، زیبایی‌شناسی، وزن.

۱. مقدمه

فرهنگ عامه را در فارسی، معادل فولکلور^۱ دانسته‌اند. این واژه مرکب از دو جزء folk و lore، و در مجموع به معنی دانش عوام است. نخستین بار آمبرواز مورتن^۲ در ۱۸۱۵م این واژه را به کار برده است. در فارسی نیز معادل‌های فرهنگ عامه، فرهنگ عوام، دانش عوام و فرهنگ توده را به جای فولکلور به کار برده‌اند (محبوب، ۱۳۸۳: ۳۵).

فولکلور هر سرزمین انعکاس اندیشه، نگرش و جهان‌بینی انسان اندیشمند است که در قالب‌هایی چون اشعار عامه، ترانه‌ها، هنرهای مردمی و ادبیات شفاهی عرضه می‌شود و همه ابعاد زندگی مادی و معنوی انسان را دربرمی‌گیرد و از دیدگاهی دیگر فولکلور با رشته‌هایی چون قوم‌شناسی، مردم‌شناسی، هنر و ادبیات و برخی رشته‌های دیگر در پیوند است (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۱: نوزده).

در پاسخ به این پرسش که فایده بررسی فرهنگ و ادبیات عامه چیست؟ باید گفت که با مطالعه آداب، سنت‌ها، آیین‌ها و جشن‌های مذهبی و ملی، عقاید و عادات، قصه‌ها، افسانه‌ها، امثال، ترانه‌ها، اشعار و لالایی‌های آن‌ها، به احوال، افکار، ذوق، هنر و روحیات مردم پی‌می‌بریم و در لابه‌لای فرهنگ مردم با بسیاری از دقایق ادبی، اخلاقی، اجتماعی، انتقادی و اوضاع زمان و طرز زندگی، عادات و رسوم، تخیلات و نوع اندیشه‌های آن‌ها به زبانی ساده، آگاه می‌شویم (میرنیا، ۱۳۷۸: ۹).

پژوهشگران فرهنگ و ادبیات عامه، با جمع‌آوری گونه‌های مختلف آن از جمله امثال، چیستان‌ها، اشعار، واژه‌ها، افسانه‌ها و حماسه‌ها، ادبیات نمایشی و آداب و رسوم و تحقیق در آن‌ها، گام‌های ارزشمندی برداشته‌اند. یکی از جلوه‌های ذوق و هنر ایرانی

در فرهنگ و ادب عامه، اطلاعاتی هستند که روی اشیا، دیوارها و سنگ‌مزارها نوشته شده‌اند. بررسی این اطلاعات می‌تواند روشن‌کننده نکته‌های پنهان تاریخی، اجتماعی و همچنین شیوه‌های زندگی مردم، نوع ابزار خانه، نحوه چینش و آرایش منزل ایرانی و دیگر جنبه‌های تاریخی و اجتماعی باشد.

از بررسی نوشتارهای موجود می‌توان نوشته‌های روی اشیا را براساس جایگاه نگارش آن‌ها، به چند دسته تقسیم کرد:

۱. کتیبه بر گور، یا سنگ‌نشته مزار^۳، یک یا چند مصراع شعر است و گاه ممکن است یک منظومه یا بخشی از آن را نیز دربرگیرد و محتوای آن بیانگر احترام یا جسارت به مردگان است. برای نمونه این کتیبه بر گور که جنبه طنز نیز دارد، نقل می‌شود:

من، مارتین الین برود، در اینجا آرمیده‌ام. خدایا روحم را غریق رحمت فرما، چنان‌که اگر من به جای تو بودم و تو مارتین الین برود بودی، چنین می‌کردم (رضایی، ۱۳۸۲: ۹۸).

۲. نوشته‌های نقش‌بسته بر سردر بناهای تاریخی، کاخ‌ها، خانه‌ها و مکان‌های دیگر، در دسته دوم کتیبه‌ها جای می‌گیرند، برای مثال بر سردر خانه حسنعلی خان گروسی، سیاست‌مدار، وزیر و ادیب دوره قاجار، این ابیات نوشته شده بود:

مرا خانه‌ای نیست در خورد دوست	اگر باشد از یمن تشریف اوست
بگو پا نهد دوست تا سر نهیم	ز خاک رهش بر سر افسر نهیم
در این خانه هر کس که پا می‌نهد	قدم بر سر چشم ما می‌نهد

(ادیب‌الممالک فراهانی، ۱۳۱۲: مقدمه دیوان، «یه»)

۳. دسته سوم کتیبه‌هایی هستند که روی اشیا منقول مانند کوزه، کاسه، گردن‌بند، قلیان و دیگر اشیا چوبی و فلزی و نظایر آن‌ها حک شده‌اند، برای نمونه در موزه بریتانیا پلاک برده‌ای نگهداری می‌شود که روی آن چنین حک شده است: مرا نگه‌دار، مبادا که بگریزم، مرا به اربابم در ملک کالیستوس برگردان (رضایی، ۱۳۸۲: ۱۰۰).

بسیاری از این کتیبه‌ها، روی سپرها، شمشیرها، تفنگ‌ها، ابزار خانه، زیورآلات زنان و غیر آن نقش‌بسته و نام شخصیت‌ها، اطلاعات تاریخی، پیام‌های اخلاقی و حتی

مضامین عاشقانه از خلال آن‌ها منتقل شده است و در روشن‌ساختن شیوه‌های زندگی حکمرانان و مردمان عامه، تأثیر فراوانی دارند.

۴. در گونه‌شناسی زبان عامه به نوع دیگری از این نوشته‌ها با عنوان ماشین‌نوشته‌ها نیز اشاره شده است. مجموعه‌ای از این گونه را سیدجمال هادیان طبایی زواره (۱۳۸۸) در کتابی به نام *اتول‌نوشته‌ها* گردآوری کرده است.

برخی استادان و محققان نیز به بحث درباره این گونه فرهنگ عامه پرداخته‌اند، برای نمونه جمال‌زاده نمودهای اشیانوشته‌ها را در همه ابزار و اسباب خانه می‌بیند و آن را نشانه ذوق و اعتلای روح ایرانی برمی‌شمارد:

حقا که ایرانی‌ها طبع شاعرانه دارند. از سردر خانه و پرده اتاق و آینه اتاق خلوتشان گرفته تا شانه ریش و طاس حمام و تخته بازی و سفره نان و فرش زیر پایشان و حتی قاشق آش و کاسه ماست و قاب طعامشان، هریک آیت و نمونه‌ای است از ذوق و شوق این مردم یک‌لقبا که با شکم گرسنه و جیب خالی، بر دریچه استغنا تکیه زده، قدم از کنگره عرش پایین برنمی‌نهند و سلطنت حقیقی را در پاک‌بازی و سبک‌باری شناخته، پشمین‌کلاه خود را به صد تاج خسروی نمی‌فروشند (جمال‌زاده، ۱۳۴۲: ۴۹۰).

شفیعی کدکنی (۱۳۸۳: ۶۰) نیز نوشتن شعر بر روی دیوارها، بناها، سنگ‌مزارها و ابزارهای گوناگون را یکی از راه‌های انتشار شعر در گذشته می‌داند و اشاره می‌کند:

دیوارنوشته‌های اماکن عمومی از قبیل مزار اولیا و گاه مساجد و خانقاه‌ها و رباط‌ها از دیگر وسایل نشر شعر در روزگار گذشته به حساب می‌آمده است و هم‌اکنون نیز در بقایای بسیاری از این اماکن می‌توان در باب نوع شعرها و نوع پسندهای گذشتگان در باب شعر به مطالعه پرداخت.

وی اسباب و آلات زندگی را ابزار انتقال شعر می‌داند:

نه تنها بر دیوارهای اماکن عمومی و خصوصی شعر می‌نوشته‌اند که بر روی هر وسیله‌ای از وسایل زندگی از قالی و قالیچه و گلیم گرفته تا سفره و بشقاب و کاسه و قاشق و شمشیر و کارد و سنگ قبر شعر می‌نوشته‌اند و از همه این‌ها برای

نشر شعر و انتقال آن به ذهن و ضمیر دیگران استفاده می‌شده است؛ زیرا شعر بخشی و درحقیقت بخش اصلی زندگی معنوی جامعه ما بوده است (همان، ۶۱).

۲. روش تحقیق

هدف از این پژوهش، بررسی دسته سوم کتیبه‌هاست و از آنجا که شمار فراوانی از اشیای منقول در موزه‌ها، مجموعه‌های خصوصی و خانه‌ها نگهداری می‌شوند و گردآوری همه آن‌ها مستلزم صرف زمان زیاد و همکاری موزه‌هاست، برای سهولت تحقیق و تعیین حدود آن، مقالات و کتبی که حاوی کتیبه‌های منظوم بوده‌اند، گردآوری و بررسی شدند. این منابع عبارت‌اند از:

۱. مقالات یحیی ذکاء و محمدحسن سمسار با عنوان «اشعار و اشیا (۱)، (۲) و (۳)»، ماهنامه هنر و مردم، شماره‌های ۳۰، ۳۹-۴۲.
۲. شاهد شیراز تألیف احمد خان‌ملک ساسانی.
۳. مقالات مندرج در نامه آستان قدس رضوی.

یحیی ذکاء رئیس موزه مردم‌شناسی و محمدحسن سمسار نیز موزه‌دار موزه هنرهای تزئینی بوده‌اند. آنان اشعار را از اشیای این موزه‌ها و برخی مجموعه‌ها و موزه‌های دیگر، گردآوری کرده‌اند که مطابق این مقالات، محل نگهداری این اشیا بدین شرح‌اند: موزه جواهرات سلطنتی، موزه کاخ گلستان، مجموعه کریم‌زاده، مجموعه سلطان‌القرائی، مجموعه یحیی ذکاء، مجموعه خلیل رحیمی، موزه برن سوئیس، موزه قم، موزه قزوین، موزه اسلحه دانشکده افسری، موزه تفلیس، موزه آستان قدس رضوی و مجموعه حسن مقدم.

کتاب شاهد شیراز نیز سفرنامه‌گونه‌ای است که وقایع آن در شیراز می‌گذرد و محل اشیایی که اشعاری بر آن‌ها نقل شده، مشخص نیست. راوی سفرنامه، خان‌ملک ساسانی، فردی علاقه‌مند به این نوع اشیا بود، برای نمونه بخشی از آن‌ها را در دکان یهودی آنتیک‌فروشی می‌بیند و توصیف می‌کند.

در نشریه *نامه آستان قدس* نیز توصیف برخی اشیای موجود در موزه آستان قدس رضوی و اشعار حک شده بر روی آن‌ها ذکر شده که در این پژوهش از آن‌ها استفاده شده است.

۳. پیشینه پژوهش

تاکنون کتاب یا مقاله مستقلی در موضوع بررسی و تحلیل کتیبه‌های اشیا نوشته نشده است. برخی نویسندگان تنها به گردآوری اشعار منقول بر اشیا پرداخته‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۳). «راه‌های انتشار یک شعر در قدیم». *بخارا*. ش ۳۶.

۲. عناصری، جابر (۱۳۷۰). «جلوه شعر و ادب و تجلی سیمای شاعران در آئینه مهر و قالب و قلم‌کار». *چیستا*. ش ۹. صص ۵۷۲-۵۷۶.

۳. جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۴۲). «منزل باسلیقه ایرانی». *یغما*. ش ۱۰. صص ۴۸۹-۴۹۶.

۴. کتیرایی، محمود (۱۳۷۸). «شعرهایی که بر روی اشیا می‌نگارند». *از خشت تا خشت*. تهران: ثالث، صص ۳۳۶-۳۴۱.

در این منابع به گردآوری و نقل اشعار اشیا بسنده شده و تنها در مقالات شفیع کدکنی و جمال‌زاده بخش اندکی درباره اشیا و تحلیل محتوا و اشعار آن‌ها ذکر شده است؛ درحالی‌که هدف نوشتار حاضر، تحلیل درون‌مایه، زیبایی‌شناسی و وزن این اشعار است.

همچنین در مقایسه منابع موجود باید اضافه کرد آنچه در مقاله جمال‌زاده و کتاب *از خشت تا خشت* از شی‌نوشته‌ها آمده، از سه منبع مورد استفاده این مقاله نقل شده است. بین اشعار دو منبع *شاهد شیراز* و «اشعار و اشیا» نیز اشتراکاتی دیده می‌شود که نویسندگان مقاله «اشعار و اشیا» به استفاده از کتاب مذکور اشاره کرده‌اند.

۴. بررسی اشعار اشیا

در این نوشتار برای سهولت بررسی، بحث درباره شیءنوشته‌ها را در چهار بخش پی‌می‌گیریم: اشیایی که اشعار بر روی آن‌ها آمده است، محتوای اشعار اشیا، زیبایی‌شناسی و وزن آن‌ها.

۱-۴. اشیایی که اشعار بر روی آن‌ها آمده است

بررسی ابیات جمع‌آوری شده از منابع مذکور نشان می‌دهد که ابزارها و اشیای گوناگون، محمل اشعار و نوشته‌های زیبایی بوده‌اند که می‌توان آن‌ها را به چند دسته تقسیم کرد:

۱. زیورآلات زنانه: شامل جعبه آرایش، جعبه جواهرات، سنگ حنابندان (زیرپایی چوبی که هنگام حنابستن زیر پا می‌گذاشتند تا پا با زمین تماس پیدا نکند)، عنبرچه مینا (جای نهادن عنبر که آن را بر گردن می‌آویختند تا بوی خوش بپراکند) و وسمه‌جوش.

۲. ابزار خانه: شامل آینه، انبر، انفیه‌دان (جای تنباکو)، بخاری، بشقاب، پرده، پیه‌سوز، تخته‌نرد، جلد چرمی کتاب، جعبه شطرنج، جام، خوانچه هفت‌سین، رحل، سرچسب‌دان روغنی، سفره قلمکار، سوزنی سلسله‌دوزی شده، سینی، شمع‌دان، صندلی، طاس، قاب آینه، قاب قلمکار، قاشق، قالی، قلمدان، قفل، قلیان، قندان، قوطی زرین، مردنگی (سرپوش بلوری که روی چراغ می‌گذاشتند تا از باد مصون بماند) و ننو.

۳. آلات موسیقی: جعبه سنتور، دایره، سه‌تار و کمانچه.

۴. ابزار جنگی: شامل بهله (دستکش چرمی)، توپ مروارید، تفنگ، خنجر، شمشیر، دبه باروت، فانوسقه، قمه، کارد و کمان.

۵. برخی ابزارهای سلطنتی: همچون تخت خورشید، تخت مرمر و تخت نادری.

۶. ابزارهای دیگر: تبرزین، تاج درویشی، کشکول و نشان شیر و خورشید.

این تقسیم‌بندی به نگارش شعر بر روی ابزار خانه بیش از اشیای دیگر اشاره دارد که بیانگر رواج این اشعار در میان عامه مردم و خانواده‌ها است.

۲-۴. محتوای اشعار اشیا

اگرچه گفته شده محتوا یا مضمون اشعار عامه اصولاً جدی نیست و در بسیاری از موارد مضمون مشخصی در برخی از آن‌ها یافت نمی‌شود (طیب‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۹)؛ اما ذوق و طبع هنرمندان ایرانی به گونه‌ای بوده است که سعی می‌کردند متناسب با هر شیء، ابیات و اشعار مربوط به آن را بیابند یا بسرایند و بر روی اشیا درج و حک کنند؛ از این‌رو، اشیا حامل محتوای متنوع و ارزشمندی هستند که برای سهولت بررسی، به چند دسته زیر تقسیم می‌شوند:

۱-۲-۴. توصیف شیء یا کارکرد آن

این قفل که صنعتش فنر در پیچ است
بر این صنعت هزار صفت هیچ است
چون زلف نگار پیچ در پیچ است
.....
(خوشدل، ۱۳۴۰: ۶۷).

قاب سرچسب:

پیکی که ز یاران به سوی یاران است
مطلب همگی نهان به سرچسب شده
در نامه او مطالبی پنهان است
سرچسب نهان به قاب سرچسبان است
(ذکاء و سمسار، ۱۳۴۴: ۲۴)

۲-۲-۴. تعلق و مالکیت آن شیء به فرد خاص یا ساخته شده به دستور امیری یا شاهی

بشقاب زرین:

این پیکر زرین‌تن جان‌پرور دلخواه
نی نی فلکی یافته از طالع مسعود
در محفل دارای زمین چون به فلک ماه
در انجمن علت ایجاد فلک راه
از امر شهنشاه جهان فتحعلی شاه
هفت اختر سیاره در آن آمده ثابت
(همان‌دو، ۱۳۴۴ الف: ۲۷)

شمشیر کریم خان زند:

این تیغ که شیر فلکش شمشیر است شمشیر وکیل آن شه کشورگیر است
پیوسته کلید فتح دارد در دست آن دست که بر قبضه این شمشیر است
(همان دو، ۱۳۴۴-۱۳۴۵: ۱۰)

۴-۲-۳. احتوا بر نام عامل (سازنده) آن شیء

سوزنی سلسله دوزی شده عمل فرج الله کرمانی (۱۲۷۸ق):

این سوزنی که غیرت باغ ارم بود شبهش کنون به عرصه آفاق کم بود
صد آفرین به خاطر طراح وی فرج کان نقش تازه اش ز بنان و قلم بود
(همان دو، ۱۳۴۴: ۲۶)

یا قطعه‌ای که بر در مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی از طرف ذوالفقار خان ساخته شده است.

۴-۲-۴. تشویق به شادی و خوش‌باشی و اغتنام فرصت بر روی جام‌ها

ایام گل است و شادمانی ساقی بده آب زندگانی
در سبزه خوش است جام باده بالاله‌رخان ارغوانی
حیف است که بگذرد به غفلت ایام شباب و نوجوانی
از عمر همین توان شمردن یک دم که به عیش بگذرانی
(همان، ۱۷-۱۸)

شبهش کنون به عرصه آفاق کم بود کان نقش تازه اش ز بنان و قلم بود
(ذکاء و سمسار، ۱۳۴۴: ۲۶)

ساقی بده آب زندگانی بالاله‌رخان ارغوانی
ایام شباب و نوجوانی یک دم که به عیش بگذرانی
(همان، ۱۷-۱۸)

که چرخ را ز نظیرش نبود و نیست غلام خاصه این آستان عرش مکان
(همان دو، ۱۳۴۴ الف: ۲۴)

ساقی بده آب زندگانی

با لاله‌رخان ارغوانی

ایام شباب و نوجوانی

(همانجا)

۴-۲-۵. مضامین اخلاقی

یکی از علل توجه به ادبیات عامه اهداف تربیتی و جنبه سرگرم‌کننده آن است و همین هدف، این گونه را مطلوب طبقه حاکم و مورد پسند عامه مردم می‌کند (سیپک، ۱۳۸۴: ۱۰). بر روی اشیا نیز متناسب با آن‌ها، مضامین اخلاقی و تربیتی مانند کمک به دیگران، احتراز از بدگویی و بدآموزی و بداندیشی، دوری از عیب‌جویی، پرهیز از غیبت، پرده‌پوشی و رازداری و مدارا با خلق، منعکس شده است:

روی جلد:

چون مرهم و موم باش چون نیش نباش

بدگویی و بدآموز و بداندیش نباش

(ذکاء و سمسار، ۱۳۴۴: ۲۰)

پیشی طلبی و هیچ‌کس پیش نباش

خواهی که ز هیچ‌کس گزندت نرسد

شانه:

همه را دیده روبه‌رو گوید

پشت سر رفته موبه موبه گوید

(همان‌دو، ۱۳۴۴-۱۳۴۵: ۹)

باش چون آینه که عیب تو را

نه که چون شانه با هزار زبان

پرده:

هیچ‌کس را ز خود نیاز زده

(همان، ۱۲)

دیده اما به رو نیآورده

(همان، ۲۷)

پرده راز کسی نگفته به کس

پرده‌پوشی نموده عیب کسان

طاس:

هریک به زبان حال با وی گفتند چون کاسه به دست توست کج دار و مریز
(همان، ۱۲)

۴-۲-۶. دعا برای شادی و صاحب‌مرادی و نوش‌خواری

طاس:

ای صاحب طاس غم فراموشت باد پیوسته مراد دل در آغوشت باد
تا طاس سپهر باشد و مهره مهر هر چیز کزین طاس خوری نوشت باد
(همانجا)

۴-۲-۷. دعای صحت و سلامت و نعمت

این طاس همیشه پر ز نعمت بادا وز هرچه خوری مزید صحت بادا
(همانجا)

طاس مسی؛ دعای شکرگزاری خدا و سپاسگزاری از صاحب وسیله:

ای کشیده به جهان خوان کرم خاصه خوان تو الوان کرم
شکرگویان تو را چرب‌زبان یک نوال است از آن خوان به دهان
گرچه جامی بود از هیچ کسان زان نواله به نوایش برسان
روز و شب با نعمش همدم دار به سپاس نعمش خرم دار
(همان، ۱۲ - ۱۳)

سفره قلمکار؛ دعا برای پربرکت بودن سفره:

ای این بساط سفره جود تو برقرار وی شرمسار خوان عطای تو روزگار
(همان، ۲۷)

سینی غذا؛ دعا برای پربرکت بودن ظرف غذا و طلب رحمت برای صاحب طعام:

این ظرف مدام پر ز نعمت بادا دائم به میان بزم صحبت بادا
هرکس که خورد طعام گوید به یقین بر صاحب این طعام رحمت بادا
(همان، ۲۷)

۸-۲-۴. تعلق آن شیء به مکان خاص

بر روی پرده سلسله‌دوزی شده مقبره شاه نعمت‌الله ولی در ماهان - که میرزامحمد کاشانی پته‌دوز آن را دوخته - این اشعار قلاب‌دوزی شده است:

مزار شاه ولی فرش شد چه (چو) خلد برین ز زلف حور در ایام شاه ناصر دین
نگاشت نغمه تاریخ سامی بی‌شک مزار شاه ولی فرش شد ز بال ملک
(همان دو، ۱۳۴۴ الف: ۲۷)

۹-۲-۴. دعوت به خوردن و آشامیدن

بشقاب چینی:

بردار ز روی قباب سرپوش تا یار کند طعام را نوش

(همان، ۲۶)

۱۰-۲-۴. ارتباط وسایل با معشوق

گاه سرایندگان عاشق از اینکه شانه به زلف معشوق دسترسی دارد یا قاشق و طاس به لب او رسیده است، بر آن‌ها رشک می‌ورزند.

تیشه‌ها خوردم به سرفرهادوار تا رسیدم بر لب شیرین یار
(همان دو، ۱۳۴۴ و ۱۳۴۵: ۱۶)

این طاس که خنده می‌زند بر مه و مهر شرمنازه دور او بود طاس سپهر
تا طاس سپهر باشد و دور فلک نوشتند از او نوش لبان گلچهر
(همان، ۱۲)

۱۱-۲-۴. گفت و گوی عاشق و معشوق به خصوص بر روی زیورآلات زنانه

شانه:

شانه کمتر زن که ترسم تار زلفت بگسلد موی موی توست اما رشتۀ جان من است
(خان‌ملک ساسانی، ۱۳۴۱: ۱۵۵)

آینه:

صورت خود چو بنگری ناز تو بیشتر شود کاش نمی‌گذاشتند آینه روبه‌روی تو
(همان، ۱۵۴-۱۵۵)

خنجر:

خنجر بکش و دل به در آور ز بر ما تا در صف عشاق بینی جگر ما
(ذکاء و سمسار، ۱۳۴۴: ب: ۲۲)

جعبه آرایش:

ای روی تو مهر عالم آرای همه وصل تو شب و روز تمنای همه
گر با دگران به از منی وای به من گر با همه کس همچو منی وای همه
(همان، ۱۸)

سنگ حنابتان:

گلگون عرق به چهره پرخال کرده‌ای افشان نقره بر ورق آل کرده‌ای
زنگ حناست بر کف پای مبارکت یا خون عاشقی است که پامال کرده‌ای
(خان‌ملک ساسانی، ۱۳۴۱: ۴۱)

۱۲-۲-۴. مدح

یکی دیگر از موضوعات مسطور بر اشیا، مدح است. در برخی از اشیا متعلق به شاهان، حکمرانان و بزرگان، افزون بر برشمردن ویژگی آن شیء و چگونگی هدیه آن به بزرگان و حاکمان، مدح آنان نیز آمده است. این قطعات شعری گاه به اندازه قصیده‌ای می‌شوند که حتی بخش‌هایی مانند شریطه و دعا برای ممدوح نیز دارند، مانند قطعات حک شده بر روی تخت مرمر و تخت خورشید، که مدح ناصرالدین‌شاه و فتحعلی‌شاه قاجار را دربر دارند. برای نمونه ابیاتی که بر روی تخت نادری در موزه جواهرات سلطنتی و در مدح فتحعلی‌شاه قاجار نقش بسته است، ذکر می‌شود:

شهنشاه اعظم خداوند کیهان جهان‌بین عالم جهان‌بان دوران
جهاندار فتحعلی‌شاه که دارد به خاک پایش روی خورشید پنهان
سپهرش یکی گرد از سم‌تازی زمینش یکی گوی در خم چوگان
(ذکاء و سمسار، ۱۳۴۴ الف: ۲۶)

۱۳-۲-۴. ماده تاریخ

ماده تاریخ را از گونه‌های تفننی ادبیات عامه برشمرده‌اند که براساس آن، برای هر یک از ۲۸ حرف عربی، به ترتیب شماره‌ای از یک تا هزار در نظر گرفته می‌شود و بر طبق آن نظام، کلمه، جمله یا مصراع شعری ساخته می‌شود (دانش‌پژوه، ۱۳۸۰: ۱۲۱). به نوشته دانش‌پژوه موضوعاتی مانند تولد، جلوس و وفات فرمانروایان و سلاطین، مراسم جشن ازدواج و اقدامات مشاهیر، دانشمندان، شاعران و عارفان مهم‌ترین مضامین ماده تاریخ‌ها هستند (همان، ۱۲۸). سازندگان اشیا و سراینده‌گان اشعار آن‌ها نیز علاقه فراوانی به ثبت تاریخ آن شیء از جمله تاریخ ساخت، هدیه یا اتفاق خاصی داشتند که برای صاحب آن شیء رخ داده بود؛ به همین جهت ماده تاریخ‌های متعددی را بر روی این اشیا می‌توان دید که برخی از آن‌ها بدین شرح‌اند:

۱. فتحعلی خان صبا ضمن مدح فتحعلی شاه قاجار بر روی تخت مرمر، این بیت حاوی ماده تاریخ را سروده که مطابق ۱۲۲۱ق است:

منشی طبع صبا از پی تاریخش گفت که سلیمان زمان داده شرف این اورنگ
(ذکاء و سمسار، ۱۳۴۴الف: ۳۰ - ۳۱)

۲. در قطعه شعری که بر درب نقره‌ای مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی نوشته شده، تاریخ اهدای آن چنین آمده است:

چو دید طبع رضا چرخ مایل تاریخ ندا رسید ز غیش که باب نقره خان
(همان، ۲۴)

که باب نقره‌خان مطابق ۱۰۱۱ق است.

۳. ماده تاریخ زیر نیز برای درب توحیدخانه آستان قدس رضوی سروده شده است:
زهی آستان تو کرسی‌نشان که چون لوح محفوظ عالی جناب
به تاریخ از آن یافتم باب نذر که نذر است این باب رضوان مآب
(همان، ۲۳)

۴-۳. زیبایی‌شناسی اشعار اشیا

گرچه زبان بیشتر سروده‌های نقل‌شده بر روی اشیا ساده و بی‌تکلف و عاری از صنایع ادبی است؛ اما بررسی نمونه‌های تحلیل‌شده در این مقاله بیانگر آرایه‌هایی است که در پیوند با همان اشیا هستند. این آرایه‌ها و شواهد شعری آن‌ها عبارت‌اند از:

۴-۳-۱. تشبیه

بخاری همچو عشاق دلفروز
برای گلرخان سوزد شب و روز
(همان، ۲۶)

الف) تشبیه بارد: گاه تشبیهات نامتناسبی نیز در این اشعار وجود دارد، مثلاً برای صندلی خاتم یا تشبیه جلد به خوبان طراز که در آن‌ها مشبه‌به با مشبه تناسب ندارد:

چه تخت لاله نعمان و برگ نسترن است
چه تخت خاتم اسکندری فروزنده
که پیش اهل نظر چون سهیل در یمن است
که فرق تا قدمش حسن سیرت حسن است
(همان‌دو، ۱۳۴۴-۱۳۴۵: ۱۰-۱۱)

این جلد که هست همچو خوبان طراز
آراسته پیکری است پوشیده به ناز
(همان‌دو، ۱۳۴۴: ۲۰)

ب) تشبیه تفضیل برای خنجر:

ز ذهن فلاطون دمش تیزتر
ز ابروی دلدار خون‌ریزتر

(همان‌دو، ۱۳۴۴-۱۳۴۵: ۱۱)

ج) تشبیه مرکب به مرکب:

خنجر کج در کف شهزاده مالک رقاب
چون هلالی ماند او گویا به دست آفتاب
(همان‌دو، ۱۳۴۴: ۲۲)

۴-۳-۲. جناس

این مهد که برده آب از مهر سپهر
چون دایه به برگرفته ماهی از مهر
(همان، ۲۱)

۳-۳-۴. ایهام تناسب

- دهان گشاده بخاری به سان بی ادبان
رسانده کار به جایی که چوب می خواهد
(همان دو، ۱۳۴۴ الف: ۲۶)
- تیشه‌ها خوردم به سر فرهادوار
تا رسیدم بر لب شـیرین یار
(همان دو، ۱۳۴۴ ب: ۱۶)
- کی چو روی دل فریبت صورتی مانی کشد
ور کشد دائم به هر صورت پشیمانی کشد
(همان دو، ۱۳۴۴-۱۳۴۵: ۱۴)
- شـطرنج ولیعهد شهنشاه جهان
رخ بر در او نهاده شاهان جهان
از همت او پیاده گردد فرزین
از دولت او پشه شود پیل دمان
(همان، ۹)

۴-۳-۴. سؤال و جواب

- دلدار به من گفت چرا غمگینی
پابند کدام دلبر سیمینی
برجستم و آینه به دستش دادم
گفتم که در آینه که را می بینی
(همان دو، ۱۳۴۴ ب: ۱۸)

۴-۳-۵. استعاره

- برای نقل هر مجلس به از هر چیز قلیان است
به سان عاشقی ماند که از هجران یارانش
ندانم چیست قلیان را که در هر حال نالان است
به فرقتش آتش و آهش به دل اشکش به دامان است
(خان‌ملک ساسانی، ۱۳۴۱: ۱۵۶)

۴-۳-۶. کنایه

تفنگ:

- گر نیم‌نظر ز گوشه چشم کنی
در بردن جان شریک عزرائلم
محتاج اشارتی است در کشتن خصم
سویش نگاهی ز گوشه چشم بس است
(همان، ۱۶۰)

۴-۳-۷. تضاد

به امداد دست پرستار ملک از این تیغ کج راست شد کار ملک
(ذکاء و سمسار، ۱۳۴۴-۱۳۴۵: ۱۰)

۴-۴. وزن اشعار اشیا

۴-۴-۱. تحلیل وزن اشعار اشیا

اوزان اشعار اشیا بررسی شده را در چند دسته می‌توان جای داد:

۱. مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن (۹ بار)*
۲. مفعول مفاعیل مفاعیل فعل (۳۷ بار)*
۳. مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (۲۰ بار)*
۴. مفعول مفاعیل فعولن (۱ بار)
۵. مفعول مفاعلن فعولن (۵ بار)*
۶. مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن (۱ بار)*
۷. مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (۵ بار)*
۸. مفاعیلن مفاعیلن فعولن (۵ بار)*
۹. مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن (۲۰ بار)*
۱۰. فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن (۱۵ بار)*
۱۱. فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن (۱۱ بار)*
۱۲. فاعلاتن مفاعلن فعلن (۸ بار)*
۱۳. فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (۱۰ بار)*
۱۴. فعولن فعولن فعولن فعل (۱۲ بار)*
۱۵. مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن (۲ بار)*
۱۶. مستفعل فاعلات مستفعل فع
۱۷. مستفعل فاعلات فعلن
۱۸. مفتعلن مفتعلن فاعلن*

۱۹. مستفعلن مستفعلن

۲۰. مستفعلن مستفعلن مستفعلن

بیشتر اوزان استفاده شده در اشعار اشیا از اوزان کثیرالاستعمال شعر فارسی هستند (شمیسا، ۱۳۷۳: ۳۵ - ۳۶) که با نشان ستاره مشخص شده‌اند.

طیب‌زاده (۱۳۸۲: ۲۹) معتقد است وزن شعر عامیانه فارسی، جدا از شعر فارسی رسمی است و وی پاره‌ها و شطرها را برای آن قائل است. از نظر وی مردم فارسی‌زبان بی‌آنکه در وزن شعر آموزش ببینند، وزن شعر را از محیط زبانی خود فرامی‌گیرند. وزن شعر عامه مبتنی بر ممیزه زبرنجیری تکیه و شمارش هجاهاست؛ اما خلاف نظر طیب‌زاده اشعار اشیا در وزن شعر رسمی فارسی سروده شده‌اند.

۲-۴-۴. اشکالات وزنی

از آنجا که برخی از ابیات نوشته شده بر روی اشیا را عامه مردم نقل کرده‌اند و مبنای نگارش آن‌ها اقوال شفاهی بوده، اشکالات وزنی و قافیه‌ای در آن‌ها مشاهده می‌شود، از جمله:

ز صنعت زین ایرانیان با فرهنگ شکست بازوی صنعتگران اهل فرنگ

(خان‌ملک ساسانی، ۱۳۴۱: ۱۵۴)

این جوهر برنده که ما را به کف است شایسته کتف زبندگان حق است

(ذکاء و سمسار، ۱۳۴۴ الف: ۲۸)

که در بیت آخر «کف» با «حق» به غلط قافیه شده است.

به سبب نقل شفاهی اشعار یا سواد اندک نویسندگان آن‌ها بر روی اشیا، تغییر و تحریف‌ها و غلط‌های املائی و بی‌دقتی در ضبط اشعار و همچنین غلط‌های مصطلح در آن‌ها وجود دارد، مانند:

پیاله در گفتم بند تا سحرگه حشر همی زد دل بیرم هول روز رستاخیز

(خان‌ملک ساسانی، ۱۳۴۱: ۹۰)

به جای:

پیاله در گفتم بند تا سحرگه حشر / همی ز دل ببرم هول روز رستاخیز

پیاله در گفتم بند تا سحرگه حشر / همی ز دل ببرم هول روز رستاخیز
مانند عصا و ید و بیضای کلیم / لشکرشکن و عدوکش و صیادافکن
(ذکاء و سمسار، ۱۳۴۴ب: ۱۶)

ندانم ز آب و گل است آن وجود روحانی / بدین کمال نباشد وجود انسانی
به هرچه خوب ترند در جهان نظر کردم / که گویمت به تو ماند تو خوب تر ز آنی
(همان دو، ۱۳۴۴الف: ۲۶)

به جای:

نگویم آب و گل است آن وجود روحانی / بدین کمال نباشد جمال انسانی
به هرچه خوب تر اندر جهان نظر کردم / که گویمش به تو ماند تو خوب تر از آنی

هر کس که به دست جام دارد / سلطانی جم مدام دارد
(همان، ۲۷)

به جای:

آن کس که به دست جام دارد / سلطانی جم مدام دارد

نرگس عابدفریب کافرت از هر طرف / گر ببیند پارسا دست مسلمانی کشد

به جای:

نرگس عابدفریب کافرت از هر طرف / گر ببیند پارسا دست از مسلمانی کشد

نتیجه‌گیری

پژوهش در گونه‌های مختلف فرهنگ و ادبیات عامه، یکی از راه‌های آشنایی با مسائل تاریخی، اجتماعی و شیوه‌های زندگی هر ملت است و ادب عامه با گونه‌هایی نظیر امثال، چیستان‌ها، اشعار و غیر آن، محمل انتقال اطلاعات فراوانی از مسائل مختلف زندگی مردم شده است. در این پژوهش به بررسی کتیبه‌های منظوم بر روی اشیای منقول پرداخته شد و با پژوهش در منابعی که اشعار اشیا در آن‌ها گردآوری شده است، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. اشعار نقل‌شده بر روی اشیای منقول در بیشتر موارد، با خود آن شیء تناسب محتوایی دارند؛
۲. از شش گروه اشیا که شامل زیورآلات زنانه، ابزار خانه، آلات موسیقی، ابزار جنگی، لوازم سلطنتی و برخی ابزارهای دیگر هستند، بیشترین اشعار بر روی ابزار خانه درج شده است که این نکته نشان از نفوذ این گونه از ادب عامه در میان مردم عادی دارد؛
۳. این اشعار به توصیف شیء یا کارکرد آن، تعلق شیء به فرد خاص، دربرگیری نام عامل (سازنده) آن شیء، تشویق به شادی و خوش‌باشی، مضامین اخلاقی، دعا، تعلق آن شیء به مکان خاص، اشیا محمل روابط و گفت‌وگوهای عاشقانه، مدح و ماده‌تاریخ می‌پردازد؛
۴. بررسی وزن اشعار اشیا نشان می‌دهد که سرایندگان از رایج‌ترین و پراستعمال‌ترین اوزان شعر فارسی برای بیان مقصود خود استفاده کرده‌اند که این مسئله بر جذابیت و عامه‌پسند بودن آن‌ها افزوده است؛
۵. با آنکه در بیشتر موارد، زبان اشعار اشیا ساده و عاری از صناعات ادبی است؛ اما گاه آرایه‌های ادبی ظریف و مطبوعی در آن‌ها وجود دارد که به دلکشی و شیرینی‌شان افزوده است. البته گاه تغییر و تحریف در نقل برخی اشعار شاعران معروف، خطاهای املائی و برخی اشکالات وزنی نیز در آن‌ها دیده می‌شود؛

پیشنهاد می‌شود با گسترش جامعه آماری پژوهش و گردآوری اشعار بیشتری از این نوع، پژوهش عمیق‌تر شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Folklore
2. Ambroise Morton
3. Epigraph

منابع

- جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۴۲). «منزل باسلیقه ایرانی». *یغما*. ش ۱۰. صص ۴۸۹-۴۹۶.
- خان‌ملک ساسانی، احمد (۱۳۴۱). *شاهد شیراز*. تهران: چاپخانه فردوسی.
- خوشدل، محمد (۱۳۴۰). «اشیای نفیس فلزی». *نامه آستان قدس*. ش ۷. صص ۶۹-۷۱.
- ----- (۱۳۴۰). «آثار قلم‌زنی موزه آستان قدس». *نامه آستان قدس*. ش ۸. صص ۶۷-۶۹.
- ----- (۱۳۴۰). «سلاح‌های نفیس موزه آستان قدس». *نامه آستان قدس*. ش ۱۱. صص ۶۰-۶۳.
- دانش‌پژوه، منوچهر (۱۳۸۰). *تفنن ادبی در شعر فارسی*. تهران: طهوری.
- ذکاء، یحیی و محمدحسن سمسار (۱۳۴۴ الف). «اشعار و اشیا (۱)». *هنر و مردم*. ش ۳۰. صص ۲۳-۳۲.
- ----- (۱۳۴۴ ب). «اشعار و اشیا (۲)». *هنر و مردم*. ش ۳۹. صص ۱۵-۲۸.
- ----- (۱۳۴۴-۱۳۴۵). «اشعار و اشیا (۳)». *هنر و مردم*. ش ۴۱. صص ۹-۱۲.
- رضایی، عربعلی (۱۳۸۲). *فرهنگ توصیفی ادبیات*. تهران: فرهنگ معاصر.
- سپیک، پیری (۱۳۸۴). *ادبیات فولکلور ایران*. ترجمه محمد اخگری. تهران: سروش.
- شبیریان، علی‌اکبر (۱۳۴۵). «کمان». *نامه آستان قدس*. ش ۲۴. صص ۸۴-۸۹.

ویژه‌نامه «آواها و نواها و اشعار عامه در فرهنگ مردم ایران» _____ سال ۳، شماره ۷، زمستان ۱۳۹۴

- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۳). «راه‌های انتشار یک شعر در قدیم». *بخارا*. ش ۳۶. صص ۶۱-۳۵.

- شمیسا، سیروس (۱۳۷۳). *آشنایی با عروض و قافیه*. تهران: فردوس.

- طبیب‌زاده، امید (۱۳۸۲). *تحلیل وزن شعر عامیانه فارسی*. تهران: نیلوفر.

- فراهانی، ادیب‌الممالک (۱۳۱۲). *دیوان کامل بزرگ‌ترین استاد سخن عراقی در قرن اخیر، میرزا صادق‌خان امیری (ادیب‌الممالک) فراهانی قائم‌مقامی*. به تدوین و تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی. تهران: مطبعه آبان.

- کتیرایی، محمود (۱۳۷۸). «شعرهایی که بر روی اشیا می‌نگارند». *از خشت تا خشت*. تهران: ثالث. صص ۳۳۶-۳۴۱.

- محجوب، محمدجعفر (۱۳۸۳). *ادبیات عامیانه ایران: مجموعه مقالات درباره افسانه‌ها و آداب و رسوم مردم ایران*. به کوشش حسن ذوالفقاری. ج ۲. تهران: چشمه.

- موسوی بجنوردی، سیدکاظم (۱۳۹۱). *دانشنامه فرهنگ مردم ایران*. ج ۱. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

- میرنیا، سیدعلی (۱۳۷۸). *فرهنگ مردم (فولکلور ایران)*. تهران: پارسا.

- هادیان طبایی زواره، سید جمال (۱۳۸۸). *اتول‌نامه، فرهنگ ماشین‌نوشته‌ها*. تهران: نشر یک.